



بر کرانه غدیر

پدیدآورده (ها) : کامران، حسن

میان رشته ای :: پیام :: زمستان 1385 - شماره 81

از 126 تا 146

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/341772>

دانلود شده توسط : مهدی سلیمانی

تاریخ دانلود : 01/09/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

برکرانه غدیر.....

حسن کامران

کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی

چکیده

گذشته چراغ راه آینده است و تاریخ، حکیم جهان دیده‌ای است که حوادث گذشته را بازخوانی می‌کند تا راهی برای پیمودن آینده مبهم، پیش روی ما بنهد. در اعتقاد ما، «غدیر»، اساس دین اسلام و ثمره نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پیام غدیر تعیین‌کننده صراط مستقیم الهی تا آخرین روز دنیا است و خطابه رسول الله صلی الله علیه و آله، زنده‌ترین سند غدیر است که چکیده آن «ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام» است.

مجموعه وقایعی که در طول سفر حجة الوداع و در غدیر خم به وقوع پیوست، می‌تواند تصویر کاملی از حقیقت غدیر را برای ما ترسیم کند.

در اجرای فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در غدیر خم از همه مسلمانان خواستند تا پیام غدیر را به نسل‌های بعد از خود و به هر کس که خبر ندارد، برسانند، مقاله حاضر به عنوان یک‌دوره کامل و فشرده از غدیر ارائه می‌شود.

ده سال از هجرت پیامبر بزرگ اسلام، حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله می‌گذرد. در خلال این مدت شالوده دین مقدس اسلام در پرتو مجاهدات و مبارزات شبانه‌روزی آن پیامبر بزرگ و یاران وفادارش گذارده شده است.

دامنه تعلیمات قرآن مجید، هم‌اکنون به آن سوی مرزهای جزیره العرب رسیده است. اوضاع آشفته و پریشان قبایل عرب به تدبیر و رهبری خردمندانه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، سر و صورتی یافته، آتش فتنه‌ها، غارت‌ها و برادرکشی‌ها خاموش شده، نغمه دوستی و برادری اسلام دلها را به یکدیگر نزدیک ساخته و رشته محکمی از اتحاد و اتفاق ایجاد کرده است.

تعالیم اسلام گسترش یافته است، اقوام و طوایف بسیاری در پرتو دستورات سعادت‌بخش حضرت محمد صلی الله علیه و آله به آیین مقدس اسلام گرویده‌اند. دژهای مستحکم خیبر به پایمردی دلاوران سپاه اسلام گشوده شده و سرداران فاتح مسلمان هر روز به دروازه امپراطوریهای ایران و روم نزدیک‌تر می‌شوند.

در این هنگام، از طرف خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده شد تا دو موضوع مهم از دین اسلام را که هنوز به صورت مفصل و رسمی بیان نشده بود به مردم ابلاغ کند؛ یکی حج و دیگری، ولایت.

مرحوم طبرسی از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده است:

«فأتاه جبرئیل علیه السلام فقال له: يا محمد إن الله جلَّ اسمُهُ بقرؤك السلام و يقول لك: إني لم أقبض نبياً من أنبيائي ولا رسولاً من رُسلي إلا بعدَ إكمالِ ديني و تأكيدِ حُجَّتِي و قد بَقِيَ عَلَيْكَ من ذاك فَرِيضَتانِ مما تحتاجُ أن تَبْلُغَها قومك: فَرِيضَةُ الْحَجِّ، و فَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ و الْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ، فإني لم أُخْلِ أَرْضِي مِنْ حِجَّةٍ و لَنْ أُخْلِيا أَبَداً، فإِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تَبْلُغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ وَتَحْجِجَ وَ يَحْجِجَ مَعَكَ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ وَالْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ وَ تَعْلَمَهُمْ مِنْ مَعَالِمِ حَجَّتِهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ زَكَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ وَ تَوْقِفَهُمْ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مِثَالِ الَّذِي أَوْقَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ مَا بَلَّغْتَهُمْ مِنَ الشَّرَائِعِ»^۱

جبرئیل بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد و به او گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خداوند متعال سلام می‌رساند و می‌فرماید: من هیچ یک از پیامبران و رسولان خود را قبض روح نکردم، مگر بعد از اكمال دینم و تأکید بر حجتم. حال دو فریضه از دین تو باقی مانده که لازم است آنها را [نیز] به قوم خود ابلاغ کنی: فریضه حج و فریضه ولایت و خلافت بعد از خودت. به درستی که من هیچ‌گاه زمین را از حجت خویش خالی نگذاشته و خالی نخواهم

گذاشت. حال خداوند متعال به تو امر می‌فرماید: که فريضة حج را به قوم خود ابلاغ کنی و حج به جای آوری و اعلام کن تا هر کسی که استطاعت دارد، همراه تو حج به جای آورد و احکام حج را همانند احکام نماز و زکات و روزه به آنها بیاموزی و آنان را به امور حج واقف گردانی. رسول الله صلی الله علیه و آله دستور داد که با صدای بلند اعلام کنند:

«أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُرِيدُ الْحَجَّ وَأَنْ يَعْلَمُكُمْ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي عَلَّمَكُمْ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكُمْ وَ يُوقِّعُكُمْ مِنْ ذَاكَ عَلَى مَا أَوْفَقَكُمْ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِهِ.»^۲

آگاه باشید که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌خواهد احکام حج را مانند سایر احکام دینی به شما آموزش دهد و شما را بر آنها واقف گرداند. [کسانی که استطاعت دارند او را همراهی کنند.]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ابودجانه انصاری یا شباع بن عرفطه غفاری^۳ را جانشین خود در مدینه قرار داد و چهار روز مانده به آخر ذی القعدة از مدینه خارج شد^۴ و جمعیت کثیری او را همراهی کردند. تعداد این جمعیت از نود هزار تا بیش از صد و بیست هزار نفر در منابع تاریخی ثبت شده است. و علاوه بر این تعداد، افراد بسیاری نیز از شهرها و سرزمین‌های دیگر به سوی «مکه» شتافتند.^۵

مسافت میان مدینه تا مکه در فاصله ده روز پیموده می‌شود. این قافله بزرگ مدت پنج روز منازل را طی کرده و بعد از عبور از «سفیا» صبحگاه پنج‌شنبه روز ششم ذیحجه به محلی به نام «ابواء» فرود می‌آید. کاروانیان در این مکان توقف زیادتری می‌کنند.

اینجا سرزمینی است که سالها پیش، زنی جوان در آغوش خاکهای گرمش به خواب ابدی فرو رفت و کودک خردسال خود را یتیم و بی‌سرپرست در زیر آسمان نیلگونش به خدای بزرگ سپرد. کودکی که اینک در قیافه مردی شصت و سه ساله جلوه‌گر است و دیر زمانی است که به فرمان آفریدگار عالم، پیشوای جهانیان شده و اکنون در جوار آرامگاه او به روح بلندش درود می‌فرستد و بر خوابگاه ابدیش نماز می‌گزارد. آری اینجا تربت پاک «آمنه» مادر رسول خداست.

هر چند کشش مهر مادری، مانع از حرکت اوست، اما شوق زیارت خانه آفریدگار و کعبه یکتاپرستان او را به ترک این مکان وادار می‌کند. از این رو شبانه آنجا را ترک گفته و

فردا وارد صحرائی جحفه می‌شوند و سپس از راه «قدیه»، «غمیم» و «اسرف» گذشته و روز سه‌شنبه ششم ذیحجه وارد مکه می‌گردند.

ملحق شدن حضرت علی (ع) به رسول الله (ص)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طی نامه‌ای از حضرت علی علیه‌السلام خواسته بود که از یمن عازم مکه شود.

علی علیه‌السلام همراه با سپاهی که از مدینه با وی عازم یمن شده بود، به سوی مکه حرکت کرد و سی و چهار شتر را برای قربانی در نظر گرفت. حضرت در حالی که مقدار زیادی «قطیفه»^۶ به همراه داشت به میقات یَلْمَم رسید و به همان نیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مُحَرَّم شد و فرمود: «خدا یا با همان نیت پیامبر تو محرم می‌شوم».

وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله از راه مدینه به مکه نزدیک شد، علی علیه‌السلام نیز از راه یمن به مکه نزدیک شده بود و در منطقه فُتُق و در نزدیکی طائف، ابورافع قبطنی^۷ را جانشین خود قرار داد و خودش برای دیدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سپاه خویش پیش افتاد و رسول الله صلی الله علیه و آله که مشرف به مکه شده بود را ملاقات کرد و عرض کرد به شوق دیدار شما از سپاه خود پیش افتاده‌ام و حضرت را در جریان اقدامات خویش قرار داد.

رسول الله صلی الله علیه و آله نیز بسیار خوشحال شد و با دیدن علی علیه‌السلام چهره‌اش شکوفا گردید. آن‌گاه پرسید: با چه نیتی محرم شدی، ای علی؟

حضرت جواب داد: ای رسول خدا، شما در نامه ننوشته بودید که با چه نیتی محرم می‌شوید، به همین دلیل من نیت خود را همانند نیت شما قرار دادم و سی و چهار شتر را برای قربانی مشخص کرده‌ام.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: الله اکبر! من هم شصت و شش قربانی آورده‌ام. تو شریک من در حج و مناسک و قربانی‌ام هستی. بر همین احرام باقی باش و به سوی سپاهت برگرد و به سرعت آنان را بیاور تا آن‌گاه شاء الله در مکه جمع شویم.^۸

علی علیه‌السلام با رسول الله (ص) خداحافظی کرد و به سوی سپاه خویش بازگشت. او

آنان را دید که وارد مکه شده^۹ و در کنار سدره جمع شده‌اند، در حالی که حله‌های یعنی را پوشیده‌اند!

حضرت به ابورافع نهیب زد که وای بر تو، چه چیز باعث شده که حله‌ها را به آنان بدهی، پیش از آن که آنها را تحویل رسول خدا بدهیم؟ در حالی که، من چنین اجازه‌ای به تو نداده بودم؟!

ابورافع جواب داد: آنان از من درخواست کردند که با این حله‌ها مُحَرَّم شوند تا تمیز تر باشند و بعداً آنها را برمی‌گردانند. اما امیرالمؤمنین علیه‌السلام بدون هیچ‌گونه اغماضی، تمام حله‌ها را از سپاهیان پس گرفت و بسته‌بندی کرد. این کار موجب شد که عده‌ای از او دلگیر شوند و نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از او شکایت کنند.

رسول الله صلی الله علیه و آله در جواب آنان فرمود: «ای مردم از علی علیه‌السلام شکوه نکنید؛ زیرا به خدا سوگند که او در راه خدا بهتر از آن است که مورد شکوه قرار گیرد.»^{۱۰}

شیخ مفید ضمن نقل این واقعه اضافه می‌کند: پس از گلایه‌های سربازان از علی علیه‌السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جارچی خود دستور داد که با صدای بلند اعلام کند: زبان‌های خود را از بدگویی درباره علی علیه‌السلام بازدارید. همانا او در امور مربوط به خداوند متعال سخت‌گیر و خشن است و در امور دینی‌اش مسامحه و چشم‌پوشی نمی‌کند.^{۱۱}

رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از ورود به مکه، یکسره به قصد زیارت کعبه از در بنی شیبه وارد مسجد الحرام شد و بعد از حمد و ثنای پروردگار، به ابراهیم خلیل جد بزرگوار خود و بنیانگذار این حرم تحیت و سلام فرستاد، سپس هفت بار خانه خدا را طواف کرد. رسول الله آخرین سفارشهای مذهبی و فرمانهای الهی را طی خطبه‌های متعددی در این چند روز به مردم ابلاغ کرد و مسلمانان را به پایداری در ادای وظیفه و پیروی از قوانین مقدس اسلام فرا خواند. آن حضرت در مسجد نصرة خطبه‌ای چنین ایراد فرمود:

... إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا.

ای مردم! خون و آبروی شما بر همدیگر حرام است تا وقتی که خدای متعال را ملاقات کنید، چنان که امروز و در این مکان خون و آبروی شما بر همدیگر حرام است.

الاکلُ شئ من امرِ الجاهلیة تحت قدمی موضوع، و دماءُ الجاهلیة موضوعة... و ربا الجاهلیة موضوعة.^{۱۲}

تمام قوانین و رسوم جاهلیت را باطل اعلام می‌کنم، خون‌های ریخته شده در زمان جاهلیت را باطل اعلام می‌کنم... و رباهای معین شده در جاهلیت را باطل اعلام می‌کنم.

خطبه رسول الله (ص) در منی

ابی الحسن علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود می‌نویسد: رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از ظهر عید قربان در خطبه‌ای فرمود:

ألا و إنی قد ترکْتُ فیکم امرین إِنْ أَخَذْتُمْ بهما لَنْ تَصِلُوا کِتَابَ اللَّهِ و عِزَّتْ اِهْلَ بَیْتِی فَانَّهُ قَدْ نَبَأَی اللطیفُ الخبیرُ انهما لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلٰی الحوضِ، ألا فینِ إِعْتَصَمَ بهما فقد نجا و من خالفهما فقد هَلَکَ، ألا هل یُبلَغُ؟ قالوا نعم، قال اللهم اشهد، ثم قال ألا و انَّه سَیَرِدُ عَلٰی الحوضِ مِنْکُمْ رجالٌ فیدفعون عَنی، فاقول رَبِّ اصحابی، فقال یا محمد انهم احدثوا بعدک و غَیَرُوا سُنَّتَکَ فاقول سَحَقاً سَحَقاً.^{۱۳}

آگاه باشید که من دو چیز در میان شما به یادگار گذاشته‌ام که اگر به آن تمسک بجوید، هیچ‌گاه گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را. به درستی که خدای لطیف و خبیر مرا آگاه کرده است که این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا این که در حوض کوثر بر من وارد می‌شوند، آگاه باشید که هر کس به آن دو چنگ زند، نجات پیدا می‌کند و هر کس با آن دو مخالفت کند، هلاک می‌شود. آیا پیام الهی را ابلاغ کردم؟ مردم گفتند: آری. فرمود: خدایا تو شاهد باش. سپس فرمود: بدانید که به زودی افرادی از شما در حوض بر من وارد می‌شوند، اما از من دور گردانیده می‌شوند. پس می‌گویم: خدایا این‌ها اصحاب من هستند، ولی گفته می‌شود: ای محمد، این‌ها بعد از تو بدعت‌گذاری کردند و سنت تو را تغییر دادند. پس من هم می‌گویم: از رحمت خدا دور باشند، از رحمت خدا دور باشند.

خطبه رسول الله (ص) در مسجد خیف

مرحوم قمی می‌نویسد: در آخرین روز از ایام تشریق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

به مرگ خودم خبر دار شده‌ام. آن گاه فرمود: برای نماز در مسجد خیف جمع شوند. آن حضرت در این مسجد هم خطبه‌ای خواند و ضمن آن فرمود:

ایها الناس انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، فانه قد نبأنی اللطیف الخبیر
انها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض...^{۱۴}

ای مردم! من دو چیز در میان شما باقی می‌گذارم که اگر بدان تمسک بجوید هیچ گاه گمراه و خوار نمی‌شوید. کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را. به راستی که خدای لطیف و خبیر به من خبر داده است که آن‌ها هرگز از هم جدا نخواهند شد تا هنگامی که در حوض بر من وارد شوند....

نزول سوره مائده

سوره مائده آخرین سوره مفصلی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و در بردارنده آیه اِکمال، آیه تبلیغ و آیه ولایت می‌باشد که بعد از حجة الوداع نازل شده است. سید بن طاووس از کتاب النشر والطی از حدیفة بن یمان نقل می‌کند: هنگامی که علی علیه السلام از یمن آمد و در مکه با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات کرد؛ مادر آن جا حاضر بودیم.

تَوَجَّهَ عَلِیٌّ عَلَیهِ السَّلَامُ یَوْمًا نَحْوَ الْكَعْبَةِ یُصَلِّی، فَلَمَّا رَكَعَ أَتَاهُ سَائِلٌ فَتَصَدَّقَ عَلَیْهِ بِحَلَقَةٍ خَاتِمَةٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «إِنَّمَا وَلِیْكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ زَاكِعُونَ»^{۱۵} فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ قَرَأَهُ عَلَیْنَا، ثُمَّ قَالَ: قُومُوا نَطْلُبُ هَذِهِ الصِّفَةَ الَّتِی وَصَفَ اللَّهُ بِهَا فَلَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْجِدَ اسْتَقْبَلَهُ سَائِلٌ فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ جِئْتَ؟ فَقَالَ: مِنْ عِنْدِ هَذَا الْمُصَلِّی، تَصَدَّقَ عَلَیْ هَذِهِ الْحَلَقَةِ وَ هُوَ رَاكِعٌ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ مَضَى نَحْوَ عَلِیٍّ فَقَالَ: يَا عَلِیُّ مَا أَخَذْتُ الْیَوْمَ مِنْ خَیْرٍ؟ فَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ إِلَى السَّائِلِ، فَكَبَّرَ ثَالِثَةً، رَوَى عَلِیٌّ عَلَیهِ السَّلَامُ رَوَى بِهِ كَعْبَةُ نِمَاز می‌خواند که به هنگام رکوع سائلی به وی مراجعه کرد. او در همان حالت رکوع، حلقه انگشترش را به وی صدقه داد. در همین زمان رسول خدا که در جای دیگر بود، تکبیر گفت و آیه‌ای را که خداوند درباره این عمل علی علیه السلام نازل کرده بود قرائت کرد: «همانا سرپرست شما، خدا و رسولش و مؤمنانی هستند که نماز بر پای

می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند»، پس از قرائت آیه آن حضرت فرمود: برخیزید تا صاحب این صفات که خدا او را توصیف کرده است، بیابیم. به دنبال آن هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد می‌شد، با سائلی مواجه شد. آن حضرت از او پرسید: از کجای می‌آیی؟ جواب داد: از پیش آن نمازگزار که در حال رکوع این حلقه انگشتر را به من داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و به سوی علی (ع) رفت. آن گاه از او پرسید: ای علی، امروز چه کار خیری انجام داده‌ای؟ علی علیه السلام جریان را برای آن حضرت بازگو کرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سومین بار تکبیر گفت.

زید بن ارقم روایت می‌کند که: «إِنَّ جَبْرِئِلَ الرُّوحِ الْأَمِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بُولَايَةَ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ فِدَعَا قَوْمًا أَنَا فَمِهِمْ فَاسْتَشَارَهُمْ فِي ذَلِكَ لِيَقُومَ بِهِ فِي الْمَوْسَمِ، فَلَمْ يَنْدَرْ مَا نَقُولُ لَهُ...»^{۱۶}

جبرئیل امین بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد و از جانب خداوند متعال دستور داد که ولایت علی (ع) را اعلام کند. اما آن حضرت از این امر نگران بود، عده‌ای را نزد خود فراخواند که من هم از جمله آن‌ها بودم، او به ما فرمود که روح الامین، جبرئیل موضوع ولایت علی بن ابیطالب را بر او نازل کرده است و با ما مشورت کرد که چگونه این مطلب را در ایام موسم حج اعلام کند. ما نمی‌دانستیم که چه بگوییم و پراکنده شدیم...

مرحوم طبرسی در الاحتجاج با سند خود از شیخ طوسی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند:

فَلَمَّا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُثَرِّوُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: إِنَّهُ قَدْ دَنَا أَجْلُكَ وَمُدَّتْكَ وَأَنَا مُتَقَدِّمٌ عَلَى مَا لَا يَدُ مِنْهُ وَلَا عَنْهُ مَحِيضٌ، فَأَعْهَدْ عَهْدَكَ وَقَدِّمْ وَصِيَّتَكَ وَاعْهَدْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْعِلْمِ وَمِيرَاثِ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَالسِّلَاحِ وَالتَّابُوتِ وَجَمِيعِ مَا عِنْدَكَ مِنْ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ، فَسَلِّمْهُ إِلَى وَصِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حَقِّي الْبَالِقَةَ عَلَى خَلْقِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ، فَأَقِمْهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا وَجَدِّدْ عَهْدَهُ وَمِيثَاقَهُ وَبَيِّعْتَهُ، وَذَكِّرْهُمْ مَا اخَذْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْعَتِي وَمِيثَاقِي الَّذِي وَاقَعْتُمْ وَعَهْدِي الَّذِي عَهَدْتُ إِلَيْهِمْ مِنْ وَلَايَةِ وَلِيِّ وَمَوْلَاهُمْ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ، فَإِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا مِنْ بَغْدِ إِكْمَالِ دِينِي وَحَقِّي وَأَقَامِ

نعمتی بولاية اولیائی و معاداة اعدائی، و ذلک کمال توحیدی و دینی و اقام نعمتی علی خلقی باتباع ولیی و طاعته و ذلک انی لا اتزک أَرْضی بغير ولی ولا قیم لیكون حجة لی علی خلقی، فأقم یا محمد علیاً علماً و خذ علیهم البیعة و جدّد عهدی و میثاقی لهم الذی واثقتهم علیه، فانی قابضک الی. ۱۷

هنگامی که رسول خدا در محل وقوف اقامت کرد، جبرئیل بر وی نازل شد و فرمود: ای محمد، خداوند عزوجل سلام می‌رساند و می‌فرماید: هر آینه أجل تو نزدیک شده است و تو را خبر می‌دهم از چیزی که گریز و چاره‌ای از آن نیست، پس به عهد خود وفا کن و وصیت خود را اعلام کن و علم خود و میراث علوم انبیای قبل و تمام آیات و نشانه‌های پیامبران را به وصی و خلیفه بعد از خود تسلیم کن، حجت کامل من بر بندگانم علی بن ابیطالب است. او را به عنوان نشانه هدایت در میان مردم به پای دار و عهد و میثاق و بیعت با او را تجدید کن و بیعت و میثاقی را که با من بسته‌اند متذکر شو، مبنی بر این که ولی من و مولای خودشان و مولای هر مرد و زن مؤمنی، علی بن ابیطالب است و به درستی که هیچ یک از انبیای خودم را قبض روح نمی‌کنم، مگر بعد از اكمال دین و حجت من و اتمام نعمتم، با اظهار ولایت نسبت به اولیایم و اظهار عداوت نسبت به دشمنانم. و این کمال توحید و دین من است و اتمام نعمت بر بندگانم با پیروی و اطاعت از ولی من حاصل می‌شود و من هیچ‌گاه زمین را بدون ولی و قیم خودم باقی نمی‌گذارم تا آن‌ها حجت من بر بندگانم باشند. ای محمد برخیز و علی را به عنوان ولی و جانشین خود معرفی کن و از مردم بیعت بگیر و عهد و میثاقی را که با من بسته‌اند، تجدید کن، زیرا که به زودی تو را پیش خودم می‌برم.

مرحوم طبرسی در الاحتجاج با سند خود از شیخ طوسی از امام محمد باقر علیه‌السلام روایت می‌کند:

فخشی رسول الله صلى الله عليه وآله من قومه و أهل النفاق والشقاق: أن يتفرقوا و يرجعوا إلى الجاهلية لما عرف من عداوتهم و لما ينطوي عليه أنفسهم لعي من العداوة والبغضاء و سأل جبرئيل أن يسأل ربه العصمة من الناس و انتظر أن يأتيه جبرئيل بالعصمة من الناس عن الله جل اسمه، فأخّر ذلك حتى بلغ كراع الغميم، فأتاه جبرئيل و أمره بالذی أتاه فيه من قتل الله و لم يأت به بالعصمة. فلما بلغ غدیر خم، أتاه جبرئيل عليه السلام على خمس ساعات مضت من

النهار بالزجر والانتهاز والعصمة من الناس فقال: يا محمد إن الله عزوجل يقرؤك السلام و يقول لك.^{۱۸} «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فإبلاغ رسالته والله يفضيكم من الناس».

رسول خدا صلی الله علیه وآله، خوف این را داشت که قریش و منافقان آشوب برپا کنند و به دوران جاهلیت بازگردند، زیرا می دانست که دشمنی و کینه دیرینه و عمیقی با علی علیه السلام دارند. برای همین از جبرئیل درخواست کرد که از خدا بخواهد تا او را از شر مردم نگه دارد، لذا اعلان ولایت علی علیه السلام را به تأخیر انداخت تا جبرئیل امان الهی را برایش بیاورد تا این که آن حضرت صلی الله علیه وآله به کراع الغمیم رسید. در آن جا هم جبرئیل بر وی نازل شد و همان امر قبلی را بر وی نازل کرد، تا این که پیامبر به منطقه غدیر خم رسید. در آنجا به هنگامی که پنج ساعت از روز گذشته بود، جبرئیل همراه با امان الهی نازل شد و آن حضرت را تحریص و تهدید کرد که هر چه سریع تر رسالت الهی را ابلاغ کند: «ای پیامبر، آنچه را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم اعلان کن، اگر چنین نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده ای و همانا خداوند تو را از شر مردم حفظ می کند».

علامه طباطبائی می فرماید: «اگر در آیه سوم سوره مائده که می فرماید: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» و احادیثی که درباره آن از طرف شیعه و سنی وارد شده و خبرهای متواتر مربوط به حادثه غدیر خم و اوضاع اجتماعی زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله دقت کنیم، بدست می آوریم که «امر الولاية كان نازلاً قبل يوم الغدير بأيام، وكان النبي صلى الله عليه وآله يتق الناس في اظهاره، ويخاف ان لا يتلقوه بالقبول أو يسيؤوا القصد اليه فيختل امر الدعوة، فكان لا يزال يؤخر تبليغه الناس من يوم إلى غد حتى نزل قوله: يا أيها الرسول بلغ...»^{۱۹}». ^{۲۰}

امر ولایت چند روز قبل از غدیر نازل شده بود، اما پیامبر صلی الله علیه وآله از اعلان آن واهمه داشت، زیرا می ترسید که مورد قبول قرار نگیرد و یا نسبت به علی علیه السلام سوء قصدی انجام گیرد و به دنبال آن، امر الهی مختل شود، از این رو، اعلان این امر را به تأخیر می انداخت و امروز و فردا می کرد تا این که آیه شصت و هفتم سوره مائده نازل شد و حضرت را برای انجام این دستور الهی بسیار ترغیب کرد.

به دنبال آن پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که پیش افتادگان برگردند و عقب ماندگان پیش بیایند و در آن منطقه جمع شوند تا علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کند و آنچه را که خداوند درباره علی علیه السلام نازل کرده است، به آن‌ها ابلاغ کند. به دستور جبرئیل آن حضرت کمی به سمت راست مسیر، متمایل شد و در کنار غدیر خم مستقر شد.

منطقه غدیر خم بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی جحفه بود. این سیلاب از مشرق به مغرب جاری می شد و پس از عبور از غدیر به جحفه می رسید و سپس تا دریای سرخ ادامه پیدا می کرد و سیل‌های سالیانه را به دریا می ریخت.

در این مسیر آبگیرهایی طبیعی به وجود آمده بود که پس از عبور سیل، آبهای باقیمانده در آن جمع می شدند و در طول سال به عنوان ذخایر آبی شناخته می شدند و به آنها اصطلاحاً «غدیر» می گفتند.

در مناطق مختلف، غدیرهای زیادی در مسیر سیلها وجود داشت که با نام گذاری از یکدیگر شناخته می شدند. این غدیر هم برای شناخته شدن از غدیرهای دیگر بنام «غدیر خم» نام گذاری شده بود. کنار این آبگیر، پنج درخت سرسبز و کهنسال از نوع «شمر» شبیه درخت چنار وجود داشت، که درخت خاص صحراها است. این پنج درخت با شاخ و برگ انبوه و قامت بلند، سایبانی خوب برای مسافران خسته ایجاد کرده بود.

از این روی، در آن شرایط، این بیابان وسیع به عنوان بهترین مکان برای مراسم سه روزه غدیر انتخاب شد و جایگاه سخنرانی رسول الله صلی الله علیه و آله زیر همان درختان در نظر گرفته شد که هم مشرف بر محل تجمع مخاطبین بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهار نفر از اصحاب خاص خود یعنی مقداد، سلمان، ابوذر و عمار را فراخواند و از آنها خواستند تا زیر آن درختان را برای سخنرانی آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کردند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و آنجا را جارو زدند و آب پاشیدند. سپس شاخه‌های پایین آمده درختان را که تا نزدیکی زمین آمده بود قطع کردند. در فاصله دو درخت، روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی باشد. سپس

در زیر سایبان، سنگ‌ها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها کمک گرفتند و منبری به بلندای قامت رسول الله ساختند و روی آن پارچه‌ای انداختند. منبر را طوری برپا کردند که نسبت به جمعیت در وسط قرار گیرد و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد و صدای حضرت به گوش همه برسد و همه او را ببینند. با توجه به کثرت جمعیت، ربیعہ را که صدای بلندی داشت انتخاب کردند تا کلام حضرت را برای افرادی که دورتر قرار داشتند تکرار کند.

مقارن ظهر بود که منادی حضرت ندای نماز جماعت سر داد. مردم از خیمه‌ها بیرون آمدند و مقابل منبر جمع شدند، صفهای جماعت را منظم کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خیمه خود بیرون آمدند، در جایگاه نماز قرار گرفتند و نماز جماعت ظهر را اقامه فرمودند.

سپس از منبر غدیر بالا رفتند، و بر فراز آن ایستادند. علی علیه السلام را فراخواندند تا بر فراز منبر در سمت راستش بایستد. قبل از شروع خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر یک پله پائین‌تر در طرف راست حضرت ایستادند و دست پیامبر صلی الله علیه و آله بر شانه آن حضرت بود.

با اشاره حضرت غوغا و همه‌مردم به یکباره خاموش شد و صحرا آرامش یکنواخت خود را باز یافت. همه سراپا گوش شده بودند تا صدای مقتدای خود را از جان و دل بشنوند. زنان نیز در قسمتی از مجلس نشسته بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله را بخوبی می‌دیدند. وجود مقدس پنج نور پاک پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام عظمت این اجتماع بزرگ را چندین برابر می‌کرد. در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطبه تاریخی و سرنوشت‌ساز خویش را آغاز فرمودند که به بعضی از قسمتهای آن اشاره می‌شود.

۱. حمد و ثنای الهی و اقرار به عبودیت و بندگی در مقابل ذات اقدس اله

حضرت در اولین بخش سخنرانی خویش، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر نمودند و به عبودیت و بندگی خویش در مقابل ذات اقدس الهی اقرار و اعتراف نمودند.

... أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِعِلَائِكَ وَكُتِبَ وَرُسُلِهِ، أَسْتَعِ
أَمْرَهُ وَأَطِيعُ وَأَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَأَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ
لَأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ.^{۲۱}

او را سپاس بسیار می‌گوییم، چه در آسایش و چه در گرفتاری، چه در حال شدت و چه در حال آرامش. و به او و ملائکه‌اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می‌آورم. دستور او را گوش می‌دهم و اطاعت می‌نمایم و به آنچه او را راضی می‌کند مبادرت می‌ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می‌شوم به عنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او، چرا که اوست خدایی که نمی‌توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم (ظلم نمی‌کند).

۲. فرمان الهی برای اعلام ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام

در بخش دوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند:

... لِأَنَّهُ قَدْ أَغْلَقَنِي أَتَى إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَ قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
الْعَصْمَةَ، وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.^{۲۲} فَأَوْحَى إِلَيَّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ
مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ [يعني في الخلافة لعلي بن أبي طالب عليه السلام] وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا
بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ». ^{۲۳}

[باید فرمان مهمی را درباره علی بن ابی طالب علیه السلام ابلاغ کنم] زیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده‌ام، و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است، به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده [درباره خلافت علی بن ابی طالب] و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده‌ای، و خداوند تو را از [شر] مردم حفظ می‌کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ:
إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَاراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي
هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلَمُ كُلَّ أَبِيضٍ وَ أَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي
وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ
بَعْدِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ قَدْ أُنْزِلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ

رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^{۲۴} و علی بن ابی طالب علیه السلام اقام الصَّلَاةَ و اقی الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ یُرید الله عزوجل فی کل حال.^{۲۵} ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، پروردگارم که او سلام است، مرا مأمور کرد که در این محلّ شهادت و اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است. و خداوند در این مورد، آیه‌ای از کتابش را بر من نازل کرده است: «صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.» و علی بن ابی طالب است که نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می‌کند.

۳. معرفی دوازده امام (ع) برای همه عصرها و نسلها

در سومین بخش، امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه طمعها به یکباره قطع شود. از این روی برای درک عمیق از اهمیت مسئله فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ.^{۲۶}

ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می‌ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند، پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

از نکات برجسته در سخنرانی حضرت، اشاره به عمومیت ولایت ائمه علیهم السلام بر همه انسانها و در طول همه عصرها و زمانها و در همه مکانها و سرزمینهاست.

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ الْهَيْكُلُ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِيَكُمُ الْقَامُ الْمَخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِي إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.^{۲۷}

خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند

است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

نیابت ائمه علیهم السلام از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع امور دنیا و آخرت از نکات بسیار مهم خطبه رسول الله صلی الله علیه و آله بود که حضرت در نهایت زیبایی و دقت بیان فرمودند:

لا حلالَ إلا ما أحلَّهُ اللهُ ولا حرامَ إلا ما حرَّمَهُ اللهُ، عَرَفَنِي الحلالَ والحرامَ و أنا افضيتُ لما عَلَّمَنِي رَبِّي من كتابه و حلاله و حرامه إليه.^{۲۸}

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (ائمه علیهم السلام) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (ائمه علیهم السلام) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده‌ام.

معاشر الناس ما من علم إلا وقد أحصاهُ اللهُ في، و كلُّ علم عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ في امام المتقين، و ما من علمٍ إلا عَلِمْتُهُ عَلِيًّا، و هو الامام المبین.^{۲۹}

هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته‌ام در امام المتقین جمع نموده‌ام، و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی آموخته‌ام. اوست «امام مبین».^{۳۰}

پس از بیان این همه عظمت، مردم را از مخالفت با امیرالمؤمنین علیه السلام برحذر داشتند و فرمودند:

معاشر الناس لا تَضِلُّوا عنه ولا تنفروا منه ولا تستكبروا ولا تستكفروا من ولايته فهو الذي يهدي الى الحق و يعملُ به و يُزهِقُ الباطلَ و ينهي عنه و لا تأخذهُ في الله لَوْمَةٌ لا يَمُومُ^{۳۱} ای مردم، از او (علی (ع)) به سوی دیگری گمراه نشوید و از او روی برمگردانید و از ولایت او سرباز نزنید. اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می‌کند، و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می‌نماید، و در راه خدا سرزنش ملامت کننده‌ای او را مانع نمی‌شود.

ثم انه أولُ مَنْ آمَنَ بالله و رسوله، و هو الذي فدى رسوله بنفسه و هو الذي كان مع رسولِ الله و لا أحدَ يعْبُدُ اللهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.^{۳۲}

او (علی علیه السلام) اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد، و اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچ کس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد.

معاشر الناس فضلوهُ فقد فضلهُ الله، واقبلوه فقد نصبهُ الله. ۳۳

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است، و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

معاشر الناس انه امامٌ من الله و لن يتوبَ الله على احدٍ انكروا ولايته، و لن يَغْفِرَ الله له حتماً على الله ان يفعل ذلك بمن خالفَ امره فيه وان يعذبهُ عذاباً شديداً نكراً ابدالاباد و دهر الدهور فاحذروا ان تخالفوه فتصلوا نارا و قودها الناس و الحجارة أُعِدَّتْ للكافرين. ۳۴

ای مردم، او (علی علیه السلام) از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. (و این عدم بخشش) حتمی است بر خداوند که با هر کس که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت، معذب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتش گیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است.

ايها الناس بي والله بَشَرُ الْاَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، و انا خاتمُ الانبياء و المرسلين و الحجة على جميع المخلوقين من اهل السماوات و الارضين، فمن شكَّ في ذلك فهو كافرٌ كفر الجاهلية الاولى، و من شك في شيء من قولي هذا فقد شكَّ في الكل منه، و الشاك في ذلك فله النار. ۳۵

ای مردم، به خدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و من به خدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل آسمان ها و زمین ها هستم. هر کسی در این مطالب شک کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

معاشر الناس فضُّوا علياً فإنه افضلُ الناس بعدى من ذكرٍ و انثى، بنا انزل الله الرزق و بقى الخلق، ملعونٌ ملعونٌ، مغضوبٌ مغضوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قولي هذا و لم يوافقه، ألا إن جبرئيلَ

خَبَّرَنِي عَنْ اللَّهِ تَعَالَى بَذْلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّ فَتَعَلَّيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي...» وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تَخَالَفُوهُ. ۳۶

ای مردم علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من نسبت به هر مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می‌کند و خلق باقی است. ملعون است، ملعون است، مورد غضب است، مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می‌گوید: هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد... از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید. در اینجا حضرت می‌خواستند حساس‌ترین قسمت سخنرانی را که برنامه عملی نیز به همراه داشت بیان کنند. از این روی برای آمادگی مردم فرمودند:

فَوَاللَّهِ لَنْ يَبِينَ لَكُمْ زَوَاجِرُهُ وَلَا يَوْضَحُ لَكُمْ تَفْسِيرُهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْبِدُهُ إِلَيَّ وَ شَاتِلُ بَعْضِهِ وَ مَعْلُومُكُمْ أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (ع) أَخِي وَ وَصِيِّ، وَ مَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ. ۳۷

به خدا قسم، باطن آن (قرآن) را برای شما بیان نمی‌کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی‌کند مگر این شخص که من دست او را می‌گیرم و او را به سوی خود بالا می‌برم و بازوی او را می‌گیرم و با دو دستم او را بلند می‌کنم و به شما می‌فهمانم که: هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار اوست. و او علی بن ابی طالب برادر و جانشین من است، و خداوند ولایت او را بر من نازل کرده است.

سپس تصویر زیبایی از ارتباط دو رکن اعظم اسلام را ارائه نمودند و فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مَنْ وُلِدَ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، هُمُ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ. ۳۸

ای مردم علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می‌دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین‌های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

در این مرحله با قاطعیتی تمام، هرگونه تعرض به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را حرام شمردند و فرمودند:

الا و قد أدیتُ الا و قد بلغتُ الا و قد اسمعتُ الا و قد اوضحتُ الا و إن الله عزوجل قال و انا قلتُ عن الله عزوجل، الا انه ليس امیرالمؤمنین غیر اخی هذا و لا تحلُ امرهُ المؤمنین بعدی لأحدٍ غیرهُ. ۳۹

بدانید که من ادا نمودم بدانید که من ابلاغ کردم، بدانید که من به گوش شما رسانیدم، بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداوند عزوجل می گویم، بدانید که امیرالمؤمنین جز این برادر من نیست. بدانید که امیرالمؤمنین بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

۴. معرفی عملی ولایت و خلافت علی(ع)

در بخش چهارم خطبه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس از مقدمه چینی های قبلی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد و در این راه هر تلاش در نطفه خنثی شود، کسی را که بطور زبانی معرفی فرموده بود، به صورت عملی نیز معرفی فرمود.

رسول الله صلی الله علیه و آله، خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام که بر فراز منبر، کنارشان ایستاده بود فرمود: نزدیک تر بیا، آن حضرت نزدیک تر آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله از پشت سر دو بازوی او را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را باز کردند تا دستهای هر دو به سوی آسمان قرار گرفت.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام را که یک پله پایین تر قرار داشت، از جا بلند کرد تا احدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل ایشان را دیدند که تا آن روز دیده نشده بود، در این حال فرمودند:

معاشر الناس هذا علی اخی و وصیی و واعی علمی و خلیفتی علی امتی و علی تفسیر کتاب الله عزوجل و الداعی الیه و العامل بما یرضاهُ و المحاربُ لاعدائِهِ و الموالی علی طاعتِهِ و الناهی عن معصیتِهِ، خلیفه رسول الله و امیرالمؤمنین و الامام الهادی و قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین بامر الله.»

اقول و ما يُبْدِلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ بِأَمْرِ رَبِّي، اقول: اللهم والِ مَنْ وَالَاهُ و غَاذِ مَنْ عَادَاهُ والعن من
أَنكَرْتَهُ وَاغْضِبْ عَلَى مَنْ جَعَدَ حَقَّهُ.^{۴۰}

ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من، و جانشین من در امتم و
جانشین من در تفسیر کتاب خداوند عزوجل و دعوت به آن و عمل کننده به آنچه او را راضی
می کند و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصیت او.
اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیرالمؤمنین و امام هدایت کننده و اوست قاتل ناکثان و
قاسطان و مارقان به امر خداوند.

پروردگارا به امر تو می گویم: سخن در نزد من تغییر نمی پذیرد. پروردگارا به امر تو می گویم:
خداوندا دوست بدار هر کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس که علی را دشمن
بدارد و لعنت نما هر کسی که علی را انکار کند و غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید.
در این قسمت از خطبه، نزول وحی درباره کمال دین با ولایت امیر مؤمنان (ع) را اعلام
نمودند که بسیار احساس برانگیز بود.
رسول خدا (ص) فرمود:

اللهم إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لَعَلِّي وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيَانِ ذَلِكَ وَ نَصِيَّ آيَاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ
لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَقَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ: وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ
الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.^{۴۱}

پروردگارا! تو هنگام روشن شدن نصب علی در این روز، بر من نازل کردی که امامت بعد از من
به علی ولی تو تعلق دارد و درباره او نازل کردی: امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت
خود را بر شما تمام کردم و از اسلام به عنوان دین شما راضی شدم. و فرمودی: هر کس دینی
غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

فهرست منابع

۱. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، ج ۱، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، - مؤسسه
اهل البيت (ع)، بیروت - لبنان، ۱۴۰۱ هـ.
۲. ابی محمد عبدالملک بن هشام المعافری «ابن هشام»، السيرة النبوية، دار احیاء التراث العربی، بیروت -
لبنان، بی تا.

۳. ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، الفروع من الكافی، دارصعب - دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.
۴. محمد امینی نجفی، سیری در الغدیر، مهر، قم، ۱۳۷۰.
۵. محمد بن عمر بن واقد، المغازی، تحقیق دکتر مارسدن جونس، دانش اسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۵ هـ.
۶. محمد بن محمد بن النعمان، الملقب بالمفید، الارشاد، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، بی‌تا.
۷. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ هـ.
۸. ابی الحسن علی بن ابراهیم القمی، تفسیر القمی، مکتبة الهدی، بیروت، ۱۳۸۷ هـ.
۹. محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۱ هـ.

پی‌نوشتها:

۱. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، جلد ۱، ص ۵۶.
۲. همان.
۳. ابی محمد عبدالملک بن هشام المعافری «ابن هشام»، السیرة النبویة، جلد ۴، ص ۲۴۸.
۴. ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، الفروع من الكافی، جلد ۱، ص ۳۳۳.
۵. محمد امینی نجفی، سیری در الغدیر، ص ۳۱.
۶. روانداز، مخمل، مخمل پرگردد، مخمل نخ و ایریشمی، حله. بعضی از مورخین همچون محمد بن عمر بن واقدی می‌نویسد: این حله‌ها و رواندازهای مخملی، خمس غنائم بوده است. ولی شیخ مفید می‌گوید: این‌ها جزیه نصارای نجران بوده است. المغازی للواقدی، تحقیق: الدكتور مارسدن جونس، جلد ۲، ص ۱۰۸۰؛ محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالمفید، الارشاد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، جلد ۱، ص ۱۵۹.
۷. محمد بن عمر بن واقدی، المغازی، جلد ۲، ص ۱۰۸۰.
۸. محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالمفید، الارشاد، جلد ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۰.
۹. محمد بن عمر بن واقدی، المغازی، جلد ۲، ص ۱۰۸۱.
۱۰. محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالمفید، الارشاد، جلد ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۰.
۱۱. پیشین، ص ۱۶۱.
۱۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۲۱، ص ۴۰۵.
۱۳. ابی الحسن علی بن ابراهیم القمیر، تفسیر القمیر، جلد ۱، ص ۱۷۲.
۱۴. همان، ص ۱۷۳.
۱۵. مانده / ۵۵.
۱۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۳۷، ص ۱۵۱.
۱۷. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، جلد ۱، ص ۵۷ و ۵۶.
۱۸. همان، ص ۵۷.
۱۹. مانده، ۶۷.
۲۰. علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۵، ص ۱۹۷ و ۱۹۶.
۲۱. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، جلد ۱، ص ۵۸.

۲۲. مائده، ۶۷.
۲۳. طبرسی، احتجاج، جلد ۱، ص ۵۹.
۲۴. مائده، ۵۵.
۲۵. طبرسی، احتجاج، جلد اول، ص ۵۹.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ص ۵۹.
۲۸. همان، ص ۶۰.
۲۹. همان.
۳۰. «وَكُلُّ شَيْءٍ أَخَصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» یس، ۱۲ و هر چیزی را در امام مبین جمع کردیم.
۳۱. ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.
۳۲. همان.
۳۳. همان.
۳۴. همان.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. همان.
۳۸. همان.
۳۹. همان، ص ۶۱ و ۶۰.
۴۰. همان و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۰ و ۲۰۹.
۴۱. آل عمران / ۸۵



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی